خاورمیانه

ترسیم نقشه جدید خاورمیانه در نشست سوچی



عبدالباری عطوان: لبخند بزرگی که بر صورت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در دیدارش با ولادیمیر پوتین، همتای روسش در سوچی نقش بسته بود، اکنون و آینده سوریه را خلاصه می‌کند و نشان می‌دهد که اسد در قدرت باقی است و چه‌بسا این‌بار با قدرت و مشروعیت بیشتر. برگزاری این نشست میان سران روسیه و سوریه بعد از سیطره ارتش نظام بر شهر البوکمال، آخرین شهر تحت اشغال داعش مفاهیم زیادی دربر دارد و به منزله جشن پایان مرحله کنونی و آغاز بازسازی است. پوتین، این مرد باهوش و با درایت که کشتی بحران سوریه را به این ساحل سرنوشت‌ساز رساند، برای همپیمانش اسد، قدرت رهبری و استراتژی خود را ثابت کرده و دشمنانش بویژه در ائتلاف آمریکا را به دوست تبدیل کرد. اتفاقی نیست که نشست دومی در سوچی شامل رهبران محور سه‌جانبه‌ای که در این بحران پیروز شد، برگزار شود. این محور شامل رجب طیب‌اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران و ولادیمیر پوتین است. این نشست که دیروز برگزار شد فقط جشن و مراسم نبود بلکه نشستی برای ترتیب مجدد تمام خاورمیانه به میل خودشان و به دور از هرگونه نقش آمریکا و اروپا و برای نخستین بار از زمان توافقنامه‌های سایکس پیکو است. معارضان سوریه که یک روزی در اندیشه این بودند که تنها چند گام برای رسیدن به کاخ المهاجرین در دمشق فاصله دارند، دیروز در ریاض گردهم آمدند اما این بار بدون حضور بسیاری از رهبران‌شان از جمله ریاض حجاب. چرا که برای وی هیچ دعوتنامه‌ای فرستاده نشده و بقیه نیز شرط حضورشان به موافقت با بازگشت به سوریه در زیر پرچم بشار اسد بستگی داشت. نمی‌خواهیم وارد جزئیات شویم و زمان خود را با پرداختن به برخی مواضع تلف کنیم، نه به این خاطر که ما از زمان آغاز بحران این کار را نکردیم بلکه به این خاطر که بخوبی می‌دانیم نقشه راه مطمئنی برای بحران سوریه وجود دارد. این نقشه راه را پوتین و تیمش با موافقت سه‌جانبه سوریه، ایران و ترکیه ایجاد کرده اما دیگران نقش زیادی ندارند و بگذارید هر چه می‌خواهند بگویند. «سوریه جدید» از میان ویرانی و جنگ سربرآورده تا نقش رهبری و منطقه‌ای خود را که برخی می‌خواستند به دلیل صلابت و پایداری دمشق در مقابل طرح آمریکا و اسرائیل و پیروزی بر آن بعد از دادن قربانی‌های بسیار آن را از این کشور بگیرند، بازیابد. سوریه جنگ را انتخاب نکرد بلکه از طریق توطئه‌ای که با اداره آمریکا و اسرائیل چیده شده بود همانطور که این توطئه‌ها در عراق، لیبی و یمن وجود دارد، این جنگ به سوریه تحمیل شد. می‌خواستند عرب و مشخصا سوریه و عراق را به حاشیه بکشانند و آنها را به زانو درآورند اما اراده این ملت‌ها و رهبران باهوش‌شان توانست معادله را برعکس کند و این کشورها را به مرکز رهبری در چارچوب ائتلاف‌ها بازگرداند. تحلیل‌ها را به دیگران می‌گذاریم و به این سخن اکتفا می‌کنیم که این دستاورد بزرگی که پوتین تاکنون محقق کرده و سوریه و عراق و شاید منطقه را با هویت جدیدی به ساحل امن رسانده، جذب ترکیه و اردوغان به محور روسیه و دور کردنش از اروپا و آمریکا و پیمان ناتو و تأکید بر این بود که منافعش با ایران، سوریه، روسیه و عراق و بعدا قاهره است نه واشنگتن، لندن، پاریس و بروکسل. پوتین همتای ترکیه‌ای خود را بعد از این قانع کرد که به او فهماند برکناری بشار اسد اولا هرگز رخ نخواهد داد، ثانیا اگر رخ بدهد نتایج عکسی بر ترکیه و وحدت جغرافیایی آن خواهد گذاشت و ثالثا نقش کارآمد ترکیه در سیاست‌های منطقه در آینده بااهمیت‌تر از برکناری نظام دمشق است، رابعا سوریه به پایگاهی برای تنش و آشوب تبدیل می‌شود و برگ برنده کردها خطرناک‌ترین مساله علیه ترکیه در آینده خواهد بود. نشست سه‌جانبه سوچی احتمالا تکرار همان نشستی است که بعد از جنگ دوم جهانی در یالتا برگزار شد و نقشه جدید منطقه را ترسیم کرد. درست است که بشار اسد هرگز در آن شرکت نخواهد کرد اما صندلی‌اش آنجاست و با قدرت در تمام مناقشه‌ها حاضر خواهد بود، چرا که او شریک اصلی است. نشست سوچی دیروز سه‌جانبه بود و مطمئنا مرحله بعد چهارجانبه خواهد بود. در پایان می‌گوییم که این حق اسد است بعد از ۷ سال از عبوس بودن اکنون لبخند بزند و بخندد. چه‌کسی تصور می‌کرد با این حجم و قدرت ائتلافی که آمریکا برای برکنار کردن او به هم بافته بود، او در کاخش باقی یا حتی زنده بماند؟





با ختم پروژه تکفیری در شام و عراق، سرزمین‌های فلسطین و حجاز آبستن تحولات آتی خاورمیانه خواهند بود

سعودی و اسرائیل در سوگ داعش

عملیات این هفته نیروهای ارتش سوریه و متحدانش برای آزادسازی شهر بوکمال در شرقی‌ترین نقطه این کشور و بر لبه مرز با عراق نقطه پایانی را در کارنامه سیاه خلافت خودخوانده تکفیری‌ها در شامات ثبت کرد. ختم داعش اینک با نامه سردار قاسم سلیمانی به رهبر انقلاب رسمیت یافته و در تاریخ ثبت می‌شود. بوکمال آخرین منطقه تحت تسلط داعش در شامات و واپسین لانه امن ابوبکر البغدادی و سایر سرکردگان ارشد داعش در حلقه محافظ خطرناک‌ترین تروریست‌های منطقه محسوب می‌شد. البته به نظر می‌رسد بسیاری از سران تکفیری در عملیات هلی‌برن هفته‌های اخیر ارتش آمریکا از بوکمال به مناطق تحت تسلط کردهای دموکراتیک سوریه منتقل شده باشند. با این همه در حالی که ۸۰ درصد این شهر در کنترل ارتش و مقاومت بومی و بین‌المللی سوریه قرار داشته و در آن سوی مرز هم نیروهای حشدالشعبی عراق استقرار یافته‌اند، دیگر هیچ نقطه حائز اهمیت دیگری برای گروهی که خود را «دولت یا خلافت اسلامی» می‌خواند باقی نمانده که با اعلام خلافت بر آن موجودیت خود را اثبات کند.

در حالی که اندیشکده‌های آمریکایی و مشاوران پنتاگون به سران دست‌نشانده منطقه چشم‌اندازی به طول ثلث قرن برای از بین بردن داعش ارائه داده بودند که این به معنای برنامه‌ریزی آنها برای بهره‌برداری ۳ دهه‌ای از فتنه تکفیری در منطقه بود اما ائتلافی از نیروهای انقلاب اسلامی با ارتش و نیروهای مردمی سوریه و متحدان دمشق چون روسیه، همه رشته‌هایی را که آمریکایی‌ها روی نقشه بافته بودند ظرف تنها ۶ سال روی زمین پنبه کردند. در آخرین تحولات، شکست پروژه کمیته تحقیق شیمیایی آلت دست غرب در شورای امنیت با وتوی روسیه، حضور جدی حشدالشعبی در مرزهای غربی عراق و از همه مهم‌تر الحاق نیروهای مقاومت فاطمیون، زینبیون، حیدریون و ارتش عربی سوریه با ارتش، پلیس فدرال و حشدالشعبی در عراق در مناطقی بیابانی که ماهیت تروریستی-سلفی داعش در اصل از آنجا متولد شده بود، خطر بسیار زیادی برای منافع آمریکا و شرکای منطقه‌ای‌اش ایجاد خواهد کرد. تسلط بر بوکمال به معنای تسلط بر مهم‌ترین جاده استراتژیک زمینی است که از شرقی‌ترین نقطه محور مقاومت تا غربی‌ترین نقطه محور مقاومت ادامه دارد.

فتح بوکمال در عین حال ورود به دوران پساداعش در شام و عراق را به همراه خواهد داشت که دوران گذاری است که آمریکایی‌ها و شرکا و دست‌نشاندگان اسرائیلی و سعودی‌شان سعی دارند در آن انتقام شکست‌های قبلی را با تهدید به جنگ‌افروزی در منطقه و به راه انداختن چالش‌های امنیتی برای کشورهای عربی و اسلامی بگیرند.

قطعا آمریکایی‌ها با فعال کردن محور اغتشاش در شرق و جنوب سوریه همانند تحرکات کردهای دموکراتیک علیه ترکیه برای کشاندن ارتش اردوغان به عمق خاک سوریه یا برگزاری مانورهایی در سرزمین‌های اشغالی و اردن به پیروزی بزرگ مقاومت بر داعش واکنش نشان می‌دهند.

■ عصر پساداعش؛ واگرایی در غرب، جنون در تل‌آویو و ریاض

در حالی که سوریه و متحدانش برندگان طبیعی پایان داعش در شامات و عراق هستند و سوری‌ها، لبنانی‌ها، عراقی‌ها و ایرانی‌ها این موضوع را به طور کاملا مشهودی با پخش گل و شیرینی در کوی و برزن به جشن نشسته‌اند، به همان وضوح حکام کاخ سفید واشنگتن، روضه‌الخریم ریاض و بیت خام‌شالای تل‌آویو در ختم داعش عزا گرفته‌اند.

برای آمریکایی‌ها ختم داعش به معنای بی‌اعتباری نقشه‌ها و چشم‌اندازهای‌شان نزد شرکا همراه با شکست طرح شیطانی خاورمیانه جدید برای تجزیه همه کشورهای بزرگ عربی و اسلامی این منطقه است. همچنین در عصر پساداعش آمریکا و اروپا مهم‌ترین بهانه دخالت در عراق و سوریه یعنی لولوی تروریسم داعشی را که خود علم کرده بودند از دست می‌دهند و این دست پنتاگون را در منطقه خواهد بست. طبیعی است که اروپایی‌های به وحشت افتاده از غوغای تروریست‌ها در یک قدمی‌شان و بحران مهاجرت منتج از آن، با توجه به شکاف تاریخی پساترامپ در دو سوی اقیانوس اطلس، بیش از این با طناب واشنگتن به چاه فرو نروند و این به واگرایی غرب در ادامه ماجراجویی در شامات دامن می‌زند. ترکیه نیز نه‌تنها عملا از ناتو و متحدان سابق غربی بریده، بلکه از جانب آنها احساس ناامنی می‌کند.

اما پایان داعش برای نتانیاهو و سران رژیم صهیونیستی و همین طور بن‌سلمان، دیکتاتور جدید سعودی به معنای این است که نه‌تنها دیگر هیچ زمین سوم قابل توجهی برای جنگ نیابتی تروریستی علیه ایران ندارند، بلکه خود قدس و حجاز بزودی به زمین جنگی مشابه تبدیل می‌شود که دونالد ترامپ، بزرگ‌ترین حامی نتانیاهو و بن‌سلمان در واشنگتن بر طبل آن می‌کوبد.

ترس از گسترش جنگ دائمی غرب با محور مقاومت به داخل فلسطین و جزیره‌العرب، نه‌تنها دلیل اصلی تبلیغات عجولانه صهیونیست‌ها برای شکل‌گیری یک اتحاد ناقص‌الخلقه عربی- عبری است، بلکه باعث آشفتگی سران تل‌آویو و ریاض و خطاهای تاکتیکی و راهبردی آشکار آنها شده است.

چنین وحشتی است که در کنار وحشت مضاعف بن‌سلمان از مخالفان داخلی به آخر خط رسیده‌اش، او را به اقدامی جنون‌آسا و حتی ناهماهنگ با حاکمیت سایه اروپا و آمریکا، برای گروگان‌گیری نخست‌وزیر یک کشور عربی دیگر در روز روشن و اعلان جنگ نمایشی به لبنان و ایران- در حالی که شیخ‌نشین‌ها حتی از تصور عملی شدن چنین تهدیدی هم وحشت دارند- وامی‌دارد و اینگونه جو عمومی در غرب و افکار عمومی جهانی را علیه خود برمی‌انگیزد.

بنیامین نتانیاهو نیز با آنکه تنها حامی بزرگ خود را برای بقای سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغالی در وجود دیوانه‌ای به نام دونالد ترامپ در کاخ سفید جست‌وجو می‌کند، با حرف‌ها و اقدامات حساب‌نشده‌اش خود به عاملی مزاحم برای دولت ترامپ تبدیل شده است.

آتش‌بس در سوریه که به اعتراف وزیر جنگ اسرائیل ۹۰ درصد اراضی آن دوباره تحت کنترل نسبی یا کامل بشار اسد قرار گرفته، چشم‌اندازی از خیزش یک سوریه قدرتمندتر از قبل تحت حمایت ایران و قدرت‌های شرقی و حتی اروپا را مقابل چشم اسرائیلی‌ها ترسیم می‌کند که این به منزله پایان توسعه تجاوزکارانه اسرائیل همزمان با پایان داعش است. رژیم صهیونیستی بارها با تجاوز به حریم سوریه و حمایت از تروریست‌های جبهه‌النصره و داعشی‌ها در جولان اشغالی و جنوب سوریه، تلاش کرد توافق آتش‌بس با ضمانت روسیه و آمریکا را به چالش بکشد و دوباره آتش جنگ را در شامات شعله‌ور کند اما موفق نشد.

در نتیجه بنیامین نتانیاهو این هفته خود رسما در جهت نقض توافق روسی-آمریکایی مناطق امن در سوریه وارد عمل شد و در سخنرانی برای نیروهای ذخیره ارتش عبری اعلام کرد این رژیم حق دارد در راستای حفظ امنیتش در خاک سوریه مداخله کند. این در حالی است که بر پایه توافقنامه مزبور خط آتش‌بس سوریه و رژیم صهیونیستی در جولان اشغالی جزو مناطق امن تعریف شده اما این رژیم عملا خط مزبور را هم زیر آتش گرفته است.

■ حجاز در خطر

این روزها سررسید بحران مشروعیت ۲ دولت مصنوعی و جعلی ساخته دست استعمار پیر انگلیس در فلسطین و حجاز با شکست طرح جدید استعمار نوین آمریکایی برای خاورمیانه مقارن شده و گسل زلزله‌ای تاریخی در هر دو سرزمین مقدس برای مسلمانان را فعال کرده است. تمام چشم‌اندازهای واقع‌گرایانه، ما را به فروپاشی هر دو نظام آپارتایدی صهیونیست‌محور و سعودی‌محور می‌رساند. با این وجود عقرب اسرائیلی پیش از آنکه در محاصره آتش نیش آخر را به خودش بزند، به احتمال زیاد متحد جدید و احمقش یعنی شتر سعودی را از پای درخواهد آورد.

جنون بنی‌اسرائیلی توسعه قلمروی آنچه به‌عنوان «ارض موعود» یهودیان تبلیغ می‌شود، سرطان اسرائیل را سبب شده و این موجودیت منحوس بقای خود را در گرو تجاوز دائم برای توسعه قلمروی اشغالی‌اش می‌داند. فلسطین اشغالی، کرانه باختری، صحرای نقب و بلندی‌های جولان، همگی قربانی سرایت سرطان اسرائیلی هستند اما حالا که دیوار محکم مقاومت در سوریه و لبنان و عارضه زمینی صحرای سینای مصر به سدهایی ژئوپلیتیک و جغرافیایی در مقابل توسعه این غده سرطانی تبدیل شده است، غرب اردن و شمال‌غربی عربستان می‌توانند قربانیان بعدی زمین‌خواران یهودی باشند.

روزنامه ینی شفق، نزدیک به منابع اطلاعاتی ترکیه دیروز در گزارشی از طرح پنهان آمریکایی-اسرائیلی تجزیه عربستان به ۴ کشور مستقل خبر داد. بر اساس این افشاگری پروژه موسوم به «اسلام معتدل» که با حمایت واشنگتن و تل‌آویو برای انجام اصلاحات ضداسلامی در عربستان توسط ولیعهد جاه‌طلب سعودی به راه افتاده در حقیقت دامی است برای خود او و باقیمانده خاندان سعودی.

پروژه مزبور عربستان را به ۴ منطقه مدینه، مکه، ریاض، قطیف و دمام تقسیم می‌کند که به ۴ کشور قبیله‌ای کوچک، ضعیف و دست‌نشانده غرب نظیر شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس تبدیل خواهند شد اما بخش‌های باقیمانده نیز سهم رویای اسرائیل بزرگ در منطقه خواهد بود.

این گزارش که انتشار آن به منزله انتقام اردوغان از توهین اخیر غربی‌ها در رزمایش ناتو است، هدف اصلی آمریکا و اسرائیل از تجزیه عربستان را فاش کرده است: تشکیل دولتی سکولار در مناطق تجزیه شده عربستان، بویژه طراحی اداره شهرهای مکه و مدینه به شیوه واتیکان، تا صهیونیست‌ها کنترل قلب جهان اسلام را به دست بگیرند. در شرایطی که خطر فروپاشی نظام سعودی و انقلابی حقیقی در قلب جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری است، ینی شفق می‌نویسد آمریکا و اسرائیل با تحت کنترل گرفتن حاکمیت مکه و مدینه می‌توانند آسیب‌هایی جدی به لایه‌های درونی جهان اسلام بزنند و از سوی دیگر صاحب پشت‌پرده منابع عظیم نفتی عربستان شوند.

نخست‌وزیر لبنان از اسارت سعودی به وطنش بازگشت

حریری استعفایش را فعلاً به حالت تعلیق درآورد



سعد حریری که سه‌شنبه‌شب پس از حدود ۳ هفته از اعلام استعفایش از نخست‌وزیری لبنان، به بیروت بازگشت در نخستین سخنان خود پس از دیدار با میشل عون، رئیس‌جمهوری و نبیه بری، رئیس پارلمان این کشور در کاخ بعبدا اعلام کرد در پاسخ به درخواست میشل عون، رئیس‌جمهور مبنی بر فراهم کردن امکان مذاکرات بیشتر، استعفانامه‌اش را فعلا نزد خود نگه داشته است. او گفت: میشل عون از من خواست کمی درنگ کنم تا آن را بررسی کند و من هم خواسته‌اش را پذیرفتم. حریری ابراز امیدواری کرد این درنگ وی منجر به باب گفت‌وگو برای حل مسائل مورد اختلاف شود. او گفت: ما خواهان پایبندی همه گروه‌ها به توافق طائف هستیم و تمام تلاش خود را انجام داده‌ایم تا کشور از بحران‌های منطقه‌ای دور بماند. لبنان باید سیاست بی‌طرفی خود را در این‌باره ادامه دهد، چرا که این سیاست کشور را از جنگ و آشوبی که پیرامون‌مان را فرا گرفته و نیز تنش‌های داخلی حفظ می‌کند. سعد حریری در پایان آمادگی خود را برای مذاکره «جدی و واقعی» با همه جریان‌های سیاسی لبنان و براساس منافع ملی اعلام و تاکید کرد در این مذاکرات باید منافع ملی بر منافع گروهی و خارجی ترجیح داده شود. سعد حریری که سه‌شنبه‌شب پس از ۳ هفته غیبت، برای شرکت در مراسم روز استقلال لبنان به کشورش بازگشت، پیش‌تر در جریان سفرش به عربستان از سمت خود استعفا کرده بود. این استعفای جنجالی که حرف و حدیث‌های بسیاری به دنبال داشت در واقع با فشار عربستان‌سعودی صورت گرفته و باعث شد طرف‌های خارجی نیز به میانجیگری برای حل بحران به این مساله ورود کنند

دو روز پیش روزنامه لبنانی الاخبار به نقل از منابع دیپلماتیک از تلاش‌های فرانسه و مصر برای میانجیگری نزد عربستان با هدف ابقای سعد در مقام نخست‌وزیری لبنان خبر داده بود. به نوشته الاخبار، نخست‌وزیر مستعفی لبنان در آستانه بازگشت به کشورش پس از ۱۸ روز- از جمله ۱۵ روز اسارت در عربستان و امارات- بشدت در حال رایزنی پشت پرده برای پس گرفتن استعفایش و بازگشت به کاخ صدارت در بیروت بود. طبق این گزارش، سلیم جریصاتی، وزیر دادگستری لبنان، روز گذشته نیز در گفت‌وگو با المنار تاکید کرد اکنون دولت لبنان عملا و طبق قانون مستعفی محسوب‌نمی‌شود.

■ شادمانی لبنانی‌ها از تصمیم حریری

در پی تصمیم سعد حریری در تعلیق استعفایش از مقام نخست‌وزیری لبنان، شماری از شهروندان لبنانی با تجمع در اطراف منزل وی در مرکز بیروت به شادمانی پرداختند. تجمع‌کنندگان با سوت و کف زدن و سردادن شعارهایی حمایت خود را از این تصمیم سعد حریری اعلام کردند. بسیاری از افراد پرچم‌های لبنان و تصاویری از حریری را با خود حمل می‌کردند. برخی رانندگان اتومبیل‌های در حال حرکت نیز با بوق زدن ممتد شادی خود را ابراز کردند.

■ چالش‌های فراروی حریری

کارشناسان می‌گویند حریری مواضع متناقضی دارد ولی با مشکلات سختی مواجه است، چرا که با طرح عربستان در لبنان رو در رو است. به گفته آنها، اگر حریری بخواهد در نهایت استعفای خود را اعلام کند این به معنای رو در رو شدن او با گروه‌های محلی است که جانب او را گرفتند و هر کاری کردند تا او را از ریاض بیرون بیاورند. این بر روابطش با شرکایش در دولت تأثیر منفی خواهد گذاشت و دیگر حمایت از او در مقابل مردمی که می‌دانند در عربستان چه بر سرش آمده، دشوار خواهد بود ولی اگر حریری تصمیم بگیرد با انصراف از استعفا، دستورات عربستان را زیر پا بگذارد با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو خواهد شد که تنها به خصومت زیاد با ریاض محدود نمی‌شود بلکه روابطش را با کشورهای عربی و بین‌المللی در معرض شکست قرار خواهد داد. در این صورت حریری، رهبر محلی بدون حمایت منطقه‌ای و نقش منطقه‌ای خواهد بود و عربستانی‌ها برای مقابله با او بدترین راه‌ها را پیش خواهند گرفت. او یقین دارد که طرح جایگزین کردن برادرش بهاء به جای وی هنوز موجود است. آنچه اتفاق افتاده نشان می‌دهد لبنانی‌ها با نسخه جدیدی از حریری مواجه خواهند شد. به نفع اوست که با حل و فصلی موافقت کند که زمینه ابقایش در دولت را فراهم آورد و به او کمک کند که مشارکت موفقی در انتخابات پارلمانی داشته باشد.

سقوط سعودی



اعتراف سعودی به اخاذی از شاهزادگان دربند

برادر ملک سلمان هم بازداشت شد



برای نخستین بار یک رسانه رسمی سعودی به باج‌گیری از شاهزادگان و شخصیت‌های دانه‌درشت عربستانی بازداشت شده توسط ولیعهد اشاره کرد. روزنامه عکاظ در خبری با عنوان «۲ گزینه برای آنها و نه سه تا: بازگرداندن اموال یا مجازات» برای نخستین بار اطلاعات رسانه‌های بین‌المللی و منابع معارض رژیم سعودی درباره آزادی متهمان به فساد در ازای دریافت بخشی از ثروت ایشان را تایید کرد. عکاظ به نقل از وزیر خارجه عربستان نوشت: «شاهزادگان، وزرا و تاجرانی که به اتهام فساد مالی بازداشت شده‌اند مختارند بین بازگرداندن اموال مسروقه و ارجاع به مقامات قضایی یکی را انتخاب کنند.» عادل الجبیر، همچنین گفته است اموالی که باید برگردانده شود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده. پیش‌تر نیویورک تایمز از مصادره ۸۰۰ میلیارد دلار اموال بازداشت‌شدگان سرشناسی چون برادرزاده‌های شاه فعلی یعنی متعب بن‌عبدالله، رئیس سابق گارد ملی سعودی، ولید بن‌طلال، بزرگ‌ترین سرمایه‌دار سعودی و همچنین خالد التویجری، رئیس سابق دربار در زمان ملک عبدالله به همراه بیش از ۱۰۰ شخصیت سیاسی، نظامی و اقتصادی دربند دیگر خبر داده بود اما از آنجا که بن‌سلمان نمی‌تواند اموال آنها در خارج از عربستان را با توسل به زور مصادره کند، حربه جدید را برای اخاذی دست کم ۱۰۰ میلیارد دلار از بازداشت‌شدگان به کار بسته است. دانه‌درشت‌های مزبور در هتل مجلل ریتز کارلتون در حومه ریاض تحت بازداشت و بازجویی هستند و گفته می‌شود کسانی مثل محمد بن‌نایف، ولیعهد تازه برکنار شده سعودی نیز با شماری دیگر از شاهزادگان بازداشت شده در ویلاهای نزدیک به این هتل تحت نظر هستند. همچنین به نوشته مجتهد، افشاگر توئیتری عربستان، بن‌سلمان با تکمیل قطعه‌ای دیگر از کودتای خود برای رسیدن به تاج و تخت عموی خود احمد بن‌عبدالعزیز را هم بازداشت و تمام حساب‌های او را بلوکه کرده است. احمد بن‌عبدالعزیز، فرزند بنیانگذار سعودی و برادر سلمان، شاه فعلی در کنار برادر کوچک‌ترش مقرن، آخرین موانع جانشینی محمد بن‌سلمان به عنوان نخستین نوه عبدالعزیز که به تاج و تخت می‌رسد، محسوب می‌شوند.

قاره سیاه

البشیر: جنگ اعراب با ایران غیرعاقلانه است!

دیکتاتور فرصت‌طلب سودان بار دیگر متحد سعودی‌اش را تنها گذاشت. به گزارش آرتی، عمر البشیر در آستانه دیدار با ولادیمیر پوتین، همتای روس خود در سوچی گفت کشورش با اعلان جنگ کشورهای عربی علیه ایران مخالف است و این کار را غیرعاقلانه دانست. رئیس‌جمهور سودان گفت: «رویارویی نظامی بین اعراب و ایران، به زیان کل منطقه خواهد بود، بهترین گزینه، همزیستی مسالمت‌آمیز بین اعراب و ایران از طریق گفت‌وگو است نه از طریق درگیری و کار نظامی».

■■■

استعفای موگابه سوگند ریاست‌جمهوری معاونش

پس از آنکه رابرت موگابه قدرت را پس از ۳۷ سال با تقدیم استعفای خود واگذار کرد، جاده برای به قدرت رسیدن معاونش که چندی پیش از قدرت خلع شده بود هموار شد. موگابه روز سه‌شنبه، یک هفته پس از کودتای نظامی که به خانه‌نشینی‌اش منجر شد و به دنبال فشارهای حزب حاکم، تظاهرات مردمی و مذاکرات مکرر با فرمانده ارتش، در نامه‌ای که توسط رئیس پارلمان زیمبابوه قرائت شد کناره‌گیری داوطلبانه خود را درست در آستانه استیضاحش توسط مجلس اعلام کرد. همچنین ده‌ها هزار تن از مردم به خیابان‌های هراره و دیگر شهرهای زیمبابوه ریخته و کنار رفتن دیکتاتور پس از ۴ دهه را جشن گرفتند. همچنین دیروز رئیس پارلمان خبر داد که امرسون منانگاگوا، جایگزین موگابه بر کرسی ریاست حزب حاکم، این جمعه به عنوان رئیس‌جمهوری جدید سوگند یاد می‌کند. منانگاگوا که شاخص‌ترین قهرمان جنگی نبرد استقلال زیمبابوه محسوب می‌شود تا ۲ هفته پیش معاون موگابه بود اما موگابه با هدف زمینه‌سازی ریاست‌جمهوری همسرش، گریس، او را به اتهام خیانت تحت تعقیب قرار داد. منانگاگوا بلافاصله به آفریقای‌جنوبی گریخت و با نفوذی که بر ارتش داشت کودتا را از خارج رهبری کرد و حال به عنوان جانشین موگابه به هراره بازمی‌گردد.